

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

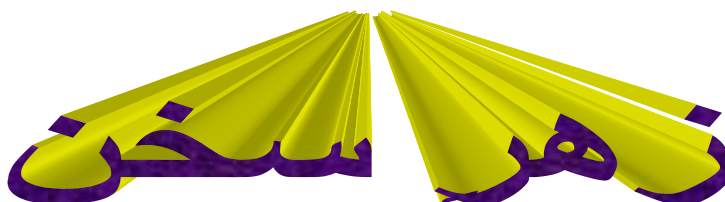
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طـنـز

نعمت الله مختارزه
شهر اسن – المان



ترا ای نوکر طالب
ترا ای چاکر جالب
قلاده بسته بر گردن
به والله خوب میدانم ،
میدانم ، به بالله خوب میدانم ،
به دست کیست ، زنجیرت ،
به پای کیست ، تقدیرت ،
به امر کیست ، تحقیرت ،
به لفظ کیست تفسیرت ،
به نام کیست تدبیرت ،
به ساز کیست تزویرت ،
تو ای بدکار و ، ای بدفعل و ، ای بدماش
تو ای پاگرد و ، ای مردار خور و کرگس و خُفاش
که می لولی به سوی طالبان ، ای مرتجع ، چون ماش
مگر نشنیده ای میشه ، ز مردان دیر پخته آش
به پای گرد خود نعلی ، زن و با صبر و طاقت باش
بمان خونسرد ، با صبر و شکیبائی و ، نه زهر سخن می پاش ،
تو ای پاگرد و ، ای مردار خور و کرگس و خُفاش
مگر از شوربازار و سر چوک آمدی و کاسبی داری تو ای فحاش

که با الفاظ بیمعنی و زشت و کوچه بازاری ، دهی پاسُخ ، تو ای قلماش
 شنو از شاعر آواره ، حرف حق ، مکن پرخاش ، ای عیاش و ای اوباش
 مرو از پشت طالبها ،
 مکن پشتی ز کاذبها ،
 مشو از پیرو ملا عمر یا ،
 از همان ملعون حکمتیار راکتبار و ، غاصبها ،
 مکن یاری به اشخاصی که بود از چاکران و نوکران ،
 خاص گلبدین و حقانی
 حقانی گردن زن
 که با بیل و کلنگ و دشنه و چاقو
 که با چوب و چُماق و نیزه و سیلاوه و خنجر
 هزار و صد هزاران ، بیگناه انسان
 سرش از تن جدا گردیده همچون توپ ،
 در گول سیاست وار گردیدست .
 هزار و صد هزاران ، بیگناه انسان ،
 یتیم و بیوه و معیوب گردیدست .
 تو ای پسمانده خور طالبان و گلبدینی های وحشی ،
 نوکر ایران و پاکستان ،
 که ، دایم از پس پرده ،
 به بی شرمی و نامردی ،
 زمینه ساز تخریبات اشرارند ، تا کی چاکری داری ،
 به مانند حقوقدانی که ،
 ... است و هم استاد و هم داکتر ،
 میان تاجیک و پشتون ، به شدت تفرقه انداز ،
 و ظرف پربهای وحدت ملی ما را ، مفت درزی ساز ،
 سخندهای خشن پرداز ،
 همیشه کاسه لیس و هم **فلوته باز**
 به فاشیستی بسان (**عابدی مولتی میلیونر**) مقام عالی و اول ،
 میان مرد و زن دارد ،
 روان از پشت حکمتیار راکتبار و از ملا عمر ، آن کوریک چشمه ست ،
 که بوی ارتجاع از گفته هایش ذهن ملت را بسی مزکوم بنمودست .
 تو ای پسمانده خور طالب و بادار **گلبدین حکمتیار**
 چرا بر مادر میهن جفا داری ،
 چرا بر هموطن ، کار خطا داری ،
 چرا روشنگران را ناسزا داری ،
 چرا هم تاپه تکفیر ، بر مؤمن روا داری ،
 برو ، برو قدری ادب آموز

ادب آموز و قدری با ادب بنشین و صحبت کن
 که اخلاق پسندیده ترا جانا سزاوارست
 ز **گلبدین** و **پلبدین** ، مکن تعریف
 مگر از یاد بردی ظلم و بیداد و جنایتهای ایشانرا
 که حتا از دل خشت و ، کلوخ و ، سنگ و چوب و خاک میهن ،
 تا کنون خونابه میریزد .
 فضای پاک و صاف مشک بیز کابل زیبا ،
 بجای مشک و عنبر ، دود و هم باروت می بیزد .
 غبار ماتم و اندوه و غم ،
 از کوچه و پسکوچه و از باغ و بستانش همی خیزد
 فغان و ناله و فریاد مظلومان بلند و ،
 از در و دیوار و سقف و از زمین و آسمانش ، غصه میبارد
 تو ای دلال و ای رمال ،
 نداری اختیار از خود ،
 به ساز طالبان و گلبدینی های بیمقدار می رقصی .
 به چندین بار ، از برنامه های مختلف ، آواز نکبتبار تو ،
 گوش حقیقت را همی آزد
 صدای ناخراس و ناتراشت بود از اندیشه و مفکوره طالب ،
 که میگفتی ،
 میگفتی ، چندین سال شد از ازدواج ما و امریکا
 که تا اکنون به بیشرمی و پُروئی ، اندر کشور ما ، **خانه دامادست**
گدا آسوده ، مسجد گرم و ، جای خواب ، خیلی نرم ،
 به بیشرمی همی گوئی ، تقاضای طلاق از ما و حکم رد ز امریکااست ،
 گروهی با تو هم آواز و پیش پا نظر دارند ،
 به دُور هرگز نیندیشیده ، میگویند ،
طلاق خویش را باید ز امریکا گرفت و زود در عقد عربها رفت
و یا در عقد پاکستان ،
و یا در صیغه ایران ،
و یا در عقد پاکستان و هم ، در صیغه ایران ،
 درانیم و یکی **مولود نو زانیم** ،
 به حکم و امر بادران ،
 چو حقانی و گلبدین و چون ملا عمر ، آن کور یک چشمه ،
 و یا چون (**عابدی مولتی میلیونر**)
 چه گفتار قبیح و زشت و بیمعنی
 وطنداران !
 وطنداران ! همه هشیار و ، از خواب گران خیزید
 که ملا های لنگ و ،

گلبدینی های دنگ و ،
 طالبان لات و بی فرهنگ
 به روی شیشه ناموس وحدت ، می زنند ، با سنگ
 که تا ، در بین تاجیکها و پشتونها ،
 میان شیعه و سنی ، بیندازند دایم جنگ
پلان شوم دالخوران پاکستان و ،
چال و فتنه و مکر و فریب دولت نامردی آخوندی ایران ،
 چنین یک دنده ئی ها را ،
 بمثل (عابدی مولتی میلیونر) ،
 (حقانی بد اختر) ،
 و غیره غیره بار آورد
 که تا بر نارسای قامت بدفوکس و زشت و ،
 همچنان شرم آور و ننگین هریک ، از پلانهای که ،
 عاجز خامه از تحریر و ،
 قاصر از بیان کردش زبان ،
 لباسی از حریر و مخمل و اطلس ، بپوشانند ،
وطنداران ! همه هشیار و ، از خواب گران خیزید
که ملا های لنگ و
گلبدینی های دنگ و
طالبان لات و بی فرهنگ
به روی شیشه ناموس وحدت ، می زنند ، با سنگ
که تا ، در بین تاجیکها و پشتونها ،
میان شیعه و سنی ، بیندازند دایم جنگ

(۲۰۱۰ \ ۰۸ \ ۳)